

۲۰۲ ۲۱۲۶



روایت مدرسهٔ ایرانی در مدار هزاره!

گاه‌نگاری رویه‌های مؤثر

بر آموزش و پرورش ایران از گذشته تا امروز

دکتر علی خلخال

سرشناسه: خلخال، علی، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور: روایت مدرسه ایرانی در مدار هزاره؛ گاهنگاری رویدادهای مؤثر بر آموزش و پرورش ایران از گذشته تا امروز/ علی خلخال؛ ویراستار علمی: ابراهیم اصلانی؛ ویراستار ادبی: نورمحمد خادمی فرد.

مشخصات نشر: تهران: پیشگامان پژوهش مدار، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۲۰۰ص.

شابک: ۸-۸۵۲۹۱۱-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: قیفا

عنوان دیگر: گاهنگاری رویدادهای مؤثر بر آموزش و پرورش ایران از گذشته تا امروز.

موضوع: آموزش و پرورش - ایران - گاهشماری

موضوع: Education -- Iran -- Chronology

موضوع: ایران - تاریخ - گاهشماری

موضوع: Iran -- History -- Chronology

شناسه افزوده: اصلانی، ابراهیم، ۱۳۴۳ - ویراستار

رده بندی کنگره: LA۱۳۵۱

رده بندی دیویی: ۳۷۰/۹۵۵

سامانه رده بندی ملی: ۶۲۲۳۹۱۸



اسرار: پیشگامان پژوهش مدار

روایت مدرسه ایرانی در مدار هزاره!

گاهنگاری رویدادهای مؤثر بر آموزش و پرورش ایران از گذشته تا امروز

[نویسنده: دکتر علی خلخال]

[طراح گرافیک: آرزو صفرخانی / طرح جلد: ایمان اوجیان]

[ویراستار علمی: ابراهیم اصلانی]

[ویراستار ادبی: نورمحمد خادمی فرد]

[چاپ: اول ۱۳۹۹ | شمارگان: ۵۰۰ نسخه]

[چاپ و صحافی: واژه]

[شابک: ۸-۸۵۲۹-۱۱-۶۰۰-۹۷۸]

[قیمت: پانصد هزار ریال]

[تلفن: ۸۸۳۴۵۲۱۷ / شماره: ۸۸۳۴۵۲۱۸]

[حق چاپ محفوظ است.]

[نشانی: تهران، خیابان کریم خان زند، خیابان ماهشهر، نبش خیابان یگانه، پلاک ۳، واحد ۱۲]

فهرست

۴	پیش برده
۸	پردهٔ اول
۸	عصر بی مدرسه
۲۲	عصر مدرسهٔ مقدس
۵۰	عصر مدرسهٔ نجات
۹۲	عصر مدرسهٔ هرثمونیک
۱۵۰	عصر مدرسهٔ کاغذی
۱۷۶	پردهٔ آخر
۱۷۸	منابع

پیش‌پرده

۱. هجری که حدود یک سال بعد از پیروزی انقلاب، محصل پایه دوم «دبیرستان حافظ» شهرستان تنکابن در استان مازندران بودم، در درس تاریخ معاصر وقتی به موضوع ملی شدن صنعت نفت رسیدیم و دبیر محترم بر پایه کتاب درسی درباره ابعاد این رویداد بحث می‌کرد، احساس کردم روایت این کتاب، ناقص است. دبیر محترم نیز بیشتر از محتوای کتاب تعهلی نداشت و برای سایر همکلاسی‌ها هم این مسئله در اولویت نبود. ولی فکر می‌کردم این روایت ناقص رهایم نکرد. در راه بازگشت به خانه، در لابلای کتاب‌هایی که در طی روزهای اولیه بعد از انقلاب به برکت کتابفروشان کنار خیابان جولانی یافته بودند، کتاب «گشته چراغ راه آینده» نوشته گروه جامی را یافتم. این همان چیزی بود که نیاز داشتم. به نور سیری‌ناپذیری یک کتاب حدوداً هشتصد صفحه‌ای را طی یک هفته کامل خواندم و قطعات گمشده رویداد اشاره شده را تکمیل کردم و به روایت معنی‌دارتری رسیدم. آن‌روز در یافتن که مدرسه بهانه هوشمندانه‌ای برای ایجاد فرصت بسط فضا و زمان معنای ارزشمندی را از دست می‌دهد.

۲. «نقالی» ایرانی‌ترین شکل روایت‌گری است، اما در دنیای سوء رسانه‌ها، دیگر جایی برای نقال نیست و به‌عنوان میراث معنوی ناملموس رسماً به‌دره سپرده شده است. به‌ویژه در آستانه گام نهادن به هزاره جدید خورشیدی، اندیشیدن و سخن راندن از نقالی، غریب جلوه می‌کند. پرده خوانی هم برآمده از نقالی و نقاشی مردمی و متکی بر «کلام» و «روایت» است. پرده‌ها، بازآفرینی ساده تخیلات پرده‌خوان و افسانه‌های توده است. پرده‌خوان با مطلق به تصاویر پرده اشاره و آنها را با صدایی رسا

و آهنگین روایت می‌کند. تماشاجی با روایت‌های نقال و پرده‌خوان، هیجان‌زده در زمان سفر می‌کند، می‌خندد، می‌گرید و برای احوال خود تصمیم می‌گیرد.

۳. در طول سالیان مطالعه در عرصه آموزش و پرورش، دریافت‌هام وضعیت سیستم‌های تربیتی هر جامعه، برآیندی از در هم تنیدگی «رویدادهایی که در وسعت و عمق تاریخی آن جامعه به وقوع پیوسته»، و «تجربه زیسته در حال وقوع» است. لذا تصمیم‌گیرندگان سیستم‌های تربیتی چنانچه نخواهند ناکامی‌های متوالی را تجربه کنند، لازم است در کنار «هوشیاری نسبت به تجربه زیسته در حال وقوع»، فرصت «بازخوانی مستمر رویدادهای تاریخی» را بیابند، تا در چارچوب معنی‌دارتری زیست حرفه‌ای داشته باشند. در چنین وضعیتی است که احتمال آسیب‌زایی تصمیم‌های مدیران کمینه می‌شود. بر مبنای این پیش‌سازنده، مدیری بود که به تولید یک «رویدادنگاری تربیتی نسبتاً ایرانی» می‌بایست، لیکن اراده‌ای برای عملی‌سازی این اندیشه، مهیا نمی‌شد. در عین حال هرگاه در جست‌وجوی «کرونولوژی فرهنگی» می‌دیدیم، ناخودآگاه خاکستر در حال خاموشی، دوباره در مسیر است. این که ناگاه و بی‌هیچ اراده هوشیارانه‌ای، خود را در میانه نگارش یک «گاه‌نگار تربیتی» دیدیم!

۴. رویدادنگاری، بازایی زمان پیدایش، پدیدمانند، و پیش‌دقیق آنها بر مبنای زمان پدیدآیی است، به گونه‌ای که روایت نسبتاً معنی‌داری برای خواننده بازنمایی شود. اما اعتراف می‌کنم رویدادنگار حاضر فاقد کفایت لازم برای تحقق اثر تاریخی است و لذا ادعایی مبنی بر دقت بودن زمان‌های مرتبط با هر رویداد وجود ندارد. لیکن در یک بازه تقریبی در صحت داده‌ها تردیدی نیست. بازگویی رویدادها به شیوه تاریخی و میلادی تلاشی برای کمک به تداعی هم‌زمان وقایع در ذهن خواننده است و نه درگیر رویدادنگاری شدم، نخست، فقط و صرفاً «رویدادهای تربیتی مرتبط با آموزش عمومی ایران» تقویم می‌شدند، اما به‌طور غریزی جلب رویدادهای «نسبتاً مربوط»، «ظاهراً نامربوط» یا «غیرمستقیم مربوط» با این وقایع نیز شدم. لذا به جای یک گاه‌نگاری منطقی استدلالی، مشتاقانه تن به یک رویدادنگاری شهودی و هیجانی سپردم و اجازه دادم تا آنچه را مفرداً و به‌طور غریزی مؤثر فهم می‌کردم، ثبت کنم. بعد از اتمام کار، وقتی به آنچه حاصل شد نگرستم، چیزی جز دل‌مشغولی‌های سازنده اندیشه خودم را نیافتم. این گاه‌نگاری تربیتی، بر ساخت درهم تنیده ذهنیت درونی و

عنیت بیرونی تجربه شده من است.

۵. در این نوشتار منظور از رویداد، وقایع، قوانین، افراد، آثار و فعالیت‌ها هستند. در خصوص افراد، تقریباً به یک فعالیت اصلی آنها بسنده شد. در عالم پدیدگی، کثیری از این رویدادها کاملاً خنثی و بی‌خاصیت، و اقلی از آنها آثار کوتاه‌مدت و بلندمدتی بر وضعیت آموزش و پرورش ایران برجای گذاشته‌اند. البته از جنبه باهوده بودن یا بیهودگی، و در بسیاری از موارد مخرب و غیرسازنده بودن ماهیتی هر رویداد، خواه و ناخواه تفسیرخواننده عام برای خودش اولی‌تر است. نیت‌های رویدادسازان هم چندان اهمیتی ندارد. لیکن برای یک تصمیم‌ساز یا تصمیم‌گیرنده تربیتی، این شواهد و پیامدهای عینی بیرونی هستند که قدر و منزلت هر رویداد را معین می‌سازد.

۶. «جریان‌های تربیتی»، که به واسطه ماهیت و نحوه روایت و تفسیر، پدیده‌ها ظهور می‌یابند، مدنظر نبود. ضمن این‌که در دنیای خارج از ذهن تربیتی به نام «جریان‌های تربیتی» موجودیت ندارد، بلکه در عالم وجود فقط «مجموعه‌ای از رویدادها» هویت دارند. البته فرصت خوانش پدیدارشناسانه رویدادها می‌تواند بستر ساز نوعی گفت‌وگو بین‌نسلی باشد.

۷. انسان موجودی «باز» است. نهاد اجتماعی، مکانیزم جمعی برای پاسخگویی به نیازهای بنیادی انسان هستند. نهاد اجتماعی حول کارکردهایی سازمان می‌یابد. آموزش نیز یک نهاد اجتماعی است. انتقال فرهنگ، آماده‌سازی فرد برای زندگی مستقل و توسعه دانش، کارکردهای بنیادی نهادی، آموزشی هستند. کارکردهای اشاره‌شده در ترکیب رویدادهای تربیتی صورت می‌گیرند. این رویدادها، هم‌سازه و هم‌سازنده نهادهای آموزشی هستند. از این منظر، کارکردهای نهادهای آموزشی تابعی از برآیند درهم‌تنیده‌ای از رویدادهایی است که پدیدار می‌شوند.

۸. «مدرسه» اسطوره‌ای‌ترین نهاد تربیتی است. مدارس از حد زیادی تبلور آرزوها و امیال مطلوب و نامطلوب مؤسسان و گردانندگان آنها هستند، اما حاصل آن الزاماً با این آرزوها انطباق ندارد. وقتی که مدرسه‌ای تأسیس می‌شود و به فعالیت می‌پردازد، سیستم بسیار پیچیده و درهم‌تنیده‌ای شکل می‌گیرد که ماورای اراده گردانندگان آن است. در «سیستم تربیتی ایران» نیز مدارس در دوره‌های مختلف، کارکردهای متنوعی داشته‌اند. محور کانونی رویدادنگاری حاضر، «مدارس ایرانی»

هستند. هم‌چنین در ذکر تاریخ دقیق وقایع، رعایت ترتیب روایت از جنبه ماه و نیز تبدیل سال خورشیدی به میلادی، ممکن است خطاهایی روی داده باشد.

۹. همان‌طور که پیشتر اشاره شد، در لابه‌لای رویدادهای تربیتی، سایر وقایع برجسته هم نگارش شد یا بهتر است گفته شود، رویدادهای تربیتی در بستر بازخوانی سایر وقایع تاریخی روایت شدند. این کار، هم بخشی از دل‌مشغولی‌های شخصی روایت‌نگار حاضر است و هم احساس می‌شود عمل تحلیل پدیده‌های تربیتی را موثق‌تر سازد. هم‌چنین بدون دیدن گاه‌نگاری قابل قبض و بسط است، اما فعلاً همین رویدادها برای ما و روزنامه‌دار هستیم.

۱۰. در تجربه من، رویدادنگاری و رویدادخوانی، کارکردی همانند نوعی روان‌تحلیل^۹ی اجتماعی دارد. بازخوانی انتقادی رویدادها، این فرصت را برای ضمیر ناخودآگاه جمعی مهیا می‌سازد تا گره‌هایی که آسیب‌زا بوده‌اند اما در ناهوشیاری جمعی پنهان شده‌اند آشکار گردد. تصویر کلی حاصل از رویدادخوانی تحلیلی و انتقادی، سطح اندیشه‌ورزی تیم گزارش‌دهنده را در موقعیتی هوشیارانه‌تر قرار می‌دهد تا به واسطه آن در شرایط سالم‌تری تحلیل و تصمیم‌های بعدی اتخاذ شود.

۱۱. مطالعه مکرر این رویدادنگاری به همه دانش‌جویان رشته‌های علوم تربیتی پیشنهاد می‌شود. خواننده می‌تواند روی هر رویداد متمرکز شود، لایه‌های بیشتری از آن را جست‌وجو کند و بر مبنای پرسش‌هایی مانند «چرا؟» با این رویدادنگاری مواجه شود؛

الف. فهرستی از رویدادهایی که عمیق‌ترین تأثیر مثبت یا منفی بر سیستم‌های مدرسه‌ای ایران داشته‌اند، تفکیک نماید و استدلال کند چرا این تجربه می‌باشد.

ب. استدلال کند که خنثی‌ترین و کم‌ارزش‌ترین رویدادها در مواجهه با سیستم‌های مدرسه‌ای ایران کدام‌ها هستند.

ج. از نقطه نظر شخصی یک دسته‌بندی از رویدادها تا حد استنتاج جریان‌های تربیتی مدرسه‌ای عرضه گردد.

د. بر مبنای این گاه‌نگاری توصیف یا تصویری از مدرسه ایرانی ارائه کند.